



#### تهدید یا تطمیع برای اجرای حکم

در پرونده‌های قتل یک نفر جانش را از دست داده و فرار است جان قاتل نیز گرفته شود. در این شرایط معمولاً طرفین پرونده ممکن است دست‌به‌هر کاری بزنند؛ از تهدید مسئولان دادگستری و قاضی تا تطمیع آنها. تا به حال برای خام قاضی چنین مواردی اتفاق نیفتاده است. اگر تهدیدی هم بوده از دور بوده و مورد خاصی اتفاق نیفتاده؛ تطمیع هم همینطور.



#### بخشش قاتل بعد از اجرای حکم

گاهی اولیای دم در لحظات اجرای حکم از اجرا منصرف می‌شوند. البته در دوره مسئولیت پوردهقانی چنین موردی پیش نیامده اما آنطور که همکاران اومی گویند مدت‌ها قبل موردی بود که بعد از اجرای حکم و در حالی که فر داعلمی هنوز جان داشت اولیای دم از تصمیم‌شان انصراف داده و او را بخشیدند و به این ترتیب او از بالای چوبه‌دار پایین آورده شد.



#### شرایط عجیب برای بخشش قاتل

بعضی از اولیای دم برای بخشیدن قاتل شرایط عجیب و غریبی تعیین می‌کنند که بعضی از آنها قابلیت اجر ا ندارد. مثلاً در چند پرونده اولیای دم گفتند به شرطی که قاتل از این شهر برود و دیگر هیچ وقت برنگردد او را می‌بخشیم. باینکه به این شرط که دادگاه برای جنبه عمومی جرم حداکثر مجازات را در نظر بگیرد او را می‌بخشیم.



#### بخشش ۵ میلیار د تومانی

در بعضی از پرونده‌ها اولیای دم به جای اجرای حکم با قاتل مصالحه می‌کنند و او را در قبال دریافت پول یا هر مال دیگری می‌بخشند. مصالحه و رد و بدل شدن پول معمولاً در بیرون از دادگستری و بین طرفین پرونده انجام می‌شود. آنطور که در جریان یکی از پرونده‌ها قاتل با پرداخت ۵میلیارد تومان توانست رضایت اولیای دم را جلب کند و نجات پیدا کند.

## سرپرست واحد اجرای احکام دادرسی بندرعباس زن جوانی است که از لحظات تلخ و شیرین اجرای احکام قصاص می‌گوید



# بانسوی عدالت



#### دنیای قضاوت

برای شما از کجا آغاز شد؟

پدرم از فر هنگیان بازنشسته یزد است و من هم ابتدا به معلمی گرایش داشتم اما به تدریج به رشته حقوق علاقه‌مند شدم. در کنکور سراسری در رشته حقوق در دانشگاه امام صادق(ع) با رتبه ۰۸ اقبول شدم. بعد از دوره کارشناسی در کارشناسی ارشد در رشته جزا و جرم شناسی در دانشگاه قم قبول شدم. و بعد از فارغ‌التحصیلی به شهرم یزد برگشتم و مدتی به‌عنوان معلم تدریس می‌کردم تا اینکه در آزمون قضاوت شرکت کردم و بعد از گذراندن دوره کارآموزی در اصفهان برای کار راهی بندرعباس شدم.

منتقل شدم. در این شعبه بیشتر به پرونده‌هایی با موضوع تصادفات رسیدگی می‌کردم اما بعد پرونده‌های سنگین تری هم به من ارجاع شد. این تجربه هم حدود یک‌سال و اماه ادامه داشت تا اینکه سرپرست اجرای احکام دادسرا به واحد دیگری منتقل شدند و از آن زمان تاکنون من به‌عنوان سرپرست اجرای احکام دادرسی عمومی و انقلاب دادسرای بندرعباس خدمت می‌کنم.

#### سال‌هاست که خانم‌ها در

دستگاه قضایی در سمت‌های مختلف خدمت می‌کنند اما با توجه به شرایط سختی که واحد اجرای احکام دارد چرا از یک خانم در این واحد استفاده می‌شود؟

وقتی این سمت به من پیشنهاد شد خودم هم استقبال کردم. حس کردم که ممکن است رشد در اجرای احکام بیشتر باشد. از طرفی چون قبلاً هم تجربه میانجیگری در پرونده‌های قتل را داشتم حالا بهتر می‌توانم به این پرونده‌ها رسیدگی کنم. نکته دیگر اینکه اجرای احکام فقط به‌معنای اجرای حکم قصاص و... نیست. ما مسئول اجرای همه احکام هستیم. مثلاً وقتی یک سارق محکوم به رد مال به مالیاحته می‌شود ما بعد از انجام مراحل مختلف قضایی اموال شاکی را به او تحویل می‌دهیم. اجرای احکام باعث به سرانجام رسیدن پرونده پس از انجام مراحل مختلف می‌شود و در حقیقت نتیجه‌نهایی پرونده است و این از نظر دلچسب است که نمره تلاش همکارانم را می‌بینم.

#### اجرای عدالت برای تان چه

حس و حالی دارد؟

وقتی شاکی بعد از آنکه به حقش رسید به دفترم می‌آید و ابراز رضایت می‌کنند و می‌گویند بالاخره به حقم رسیدیم، حس خوبی دارد. البته اجرای احکام قصاص و اعدام از تلخی‌ها و بخش ناراحت‌کننده کار ماست.

#### در مدتی که معاون دادستان

و سرپرست اجرای احکام هستيد عملکرد موفقى داشتيد و در حدود ۵۰ پرونده قصاص موفق به گرفتن رضایت از اولیای دم مقتولان شده و باعث بازگشت این افراد به زندگی شده‌اید. اصولاً برای بخشیده شدن چه محکومانی پیشقدم می‌شوید؟

من و همکارانم معمولاً در پرونده‌هایی که فرد مرتکب قتل شده برای جلب رضایت اولیای دم وارد می‌شویم؛ اما به هیچ وجه در پرونده‌هایی که قاتل با نقشه و قصد قبلی دست به جنایت زده یا فردی سابقه‌دار و شرور است یا در پرونده‌هایی که قاتل به شکل فجیعی دست به جنایت زده و... این‌ها اجرای محکومان نمی‌دهیم که بخواهیم پادرمیانی کنیم.

#### وقتی برای جلب رضایت

اولیای دم سراغ آنها می‌روید از چه شیوه‌هایی برای راضی کردن آنها استفاده می‌کنید؟ فردی که عزیزش را در یک جنایت از دست داده چطور حاضر به بخشش قاتل او می‌شود؟

شروع کار خیلی سخت است. مخصوصاً در پرونده‌هایی که زمان زیادی از وقوع قتل گذشته است. اما ما معمولاً بعد از اینکه هر مرحله

رضایت نمی‌دهم و به هیچ‌وجه کوتاه نمی‌آمد. ما منتظر شدیم تا اینکه مرحله استیذان هم انجام و حکم آماده اجرا شد. باینکه این ماسر گفته بود رضایت نمی‌دهم اما در نخستین دیداری که با او داشتم برخورد خیلی گرم و خوبی داشت. برای مدتی او هر روز به داسرا می‌آمد و به من سر می‌زد اما هیچ حرفی از بخشش نمی‌زد. من هم روز اول نگفتم که رضایت بده. صبر کردم. یک روز او گفت که دخترتم، تو بگو چه کار کنم. من هم گفتم قصاص کردن حق شماس است اما اگر می‌توانید بخشید. با اینکه نظر من را پرسیده بود گفتم نمی‌توانم ببخشم. او رفت و تلاش‌هایمان بصرای راضی کردنش هم به جایی نرسید و روز قبل از اجرا به داسرا آمد و گفت من رضایت نمی‌دهم. او به من گفت امشب را که شب قبل از اجراست من به خانام نمی‌روم و تلفنم را هم جواب نمی‌دهم. فقط شماره تلفن خانه فامیلم را که امشب به آنجا می‌روم، به تو می‌دهم. او گفت به کسی شماره آنجا را نده و اگر خواستی خودت بیا. من هم به قولی که داده بودم عمل کردم و شب قبل از اجرا در شرایطی که فقط چند ساعت تا زمان اجرای حکم باقی‌مانده بود به خانهای که این زن در آنجا حضور داشت رفتم. او می‌خواست با این کار از دست افرادی که می‌خواستند برای گرفتن رضایت به سراغش بروند، خلاص شود. در آنجا ساعات‌ها با او درباره بخشش صحبت کردم. او در نهایت گفت اگر بخواهم رضایت بدهم فقط به‌خاطر شماس. تا ساعت ۱۲ شب آنجا بودیم و هنوز معلوم نبسود او رضایت می‌دهد یا حکم را اجرا می‌کند تا اینکه آخر شب گفت من رضایت نمی‌دهم و فردا برای اجرای حکم قصاص به چند زندان می‌آیم. ما هم تاامید از آنجا خارج شدیم و چند ساعت بعد برای اجرای حکم به زندان رفتیم. آن روز صبح چند نفر از خادمان امام رضاع) به زندان آمده بودند. همه منتظر بودند تا مادر مقتول برای اجرای حکم بیاید و هیچ‌کس امیدی به بخشش نداشست تا اینکه او از راه رسید و گفت دیشب خواب امام رضاع) را دیدم و در عین ناباوری رضایت داد و رفت.

#### اولیای دم پرونده‌هایی که

می‌بخشند خوشحال هستند و معمولاً از ما تشکر می‌کنند که برای رضایت و بخشش تلاش کردیم. رضایت دادن جواب نمی‌دهم. اما اگر می‌توانید بخشید. با اینکه نظر من را پرسیده بود گفتم نمی‌توانم ببخشم. او رفت و تلاش‌هایمان بصرای راضی کردنش هم به جایی نرسید و روز قبل از اجرا به داسرا آمد و گفت من رضایت نمی‌دهم. او به من گفت امشب را که شب قبل از اجراست من به خانام نمی‌روم و تلفنم را هم جواب نمی‌دهم. فقط شماره تلفن خانه فامیلم را که امشب به آنجا می‌روم، به تو می‌دهم. او گفت به کسی شماره آنجا را نده و اگر خواستی خودت بیا. من هم به قولی که داده بودم عمل کردم و شب قبل از اجرا در شرایطی که فقط چند ساعت تا زمان اجرای حکم باقی‌مانده بود به خانهای که این زن در آنجا حضور داشت رفتم. او می‌خواست با این کار از دست افرادی که می‌خواستند برای گرفتن رضایت به سراغش بروند، خلاص شود. در آنجا ساعات‌ها با او درباره بخشش صحبت کردم. او در نهایت گفت اگر بخواهم رضایت بدهم فقط به‌خاطر شماس. تا ساعت ۱۲ شب آنجا بودیم و هنوز معلوم نبسود او رضایت می‌دهد یا حکم را اجرا می‌کند تا اینکه آخر شب گفت من رضایت نمی‌دهم و فردا برای اجرای حکم قصاص به چند زندان می‌آیم. ما هم تاامید از آنجا خارج شدیم و چند ساعت بعد برای اجرای حکم به زندان رفتیم. آن روز صبح چند نفر از خادمان امام رضاع) به زندان آمده بودند. همه منتظر بودند تا مادر مقتول برای اجرای حکم بیاید و هیچ‌کس امیدی به بخشش نداشست تا اینکه او از راه رسید و گفت دیشب خواب امام رضاع) را دیدم و در عین ناباوری رضایت داد و رفت.

استیذان (تایید رئیس قوه‌قضائیه) در پرونده‌ها طلی می‌شود جلسات صلح و سازش را شروع می‌کنیم. از اولیای دم دعوت و با آنها درباره پرونده صحبت می‌کنیم. معمولاً در شروع کار حرفی از بخشش نمی‌زنیم و می‌گوئیم که اجرای حکم حق شماس است. قانون و شرع اجازه اجرای حکم را به شما داده است. در ادامه به آیات و روایات قرآنی استناد می‌کنیم و می‌گوئیم خداوند به شما حق داده و در قرآن گفته شده که قصاص اولیای دم است اما در کنارش توصیه شده که بهتر است ببخشید. با استفاده از تجربیات گذشته با هر خانواده باید به یک طریقی گفت‌وگو کرد. با بعضی‌ها از آرامش روح مقتول بعد از بخشش قاتل می‌گوئیم و به این شکل زمینه‌چینی می‌کنیم تا ببینیم نظرشان چیست. بعضی از خانواده‌ها اصلاً راضی نمی‌شوند و چون حکم قطعی شده و باید اجرا شود ما هم، زمان اجرا تعیین کرده و محکوم را برای چوبه دار می‌بریم. صبح روز اجرا هم ابتدا جلسه‌ای می‌گذاریم و باز هم اولیای دم را به بخشش توصیه یا آنها را به مصالحه در قبال گرفتن ديه تشویق می‌کنیم.

#### وقتی قرار است با اولیای دم

برای بخشش گفت‌وگو کنید آیا پیش آمده که با شما تندی کنند؟

بله زیاد پیش آمده که با من یا همکارانم تندی و بداخلاقی کنند. گاهی هم با ناراحتی جلسه را رها می‌کنند و می‌روند. اما بالاخره احترام ما را حفظ می‌کنند. در آن لحظات بیشتر عزیزشان به یادشان می‌آید و برای‌شان سخت است که قاتل را ببخشند. البته همه اینها در یک جلسه اتفاق نمی‌افتد و گاهی پیش آمده من و همکارانم چند مرتبه به خانه اولیای دم می‌رویم و با آنها صحبت می‌کنیم. حتی شده که اولیای دم در شهرهای دیگری سکونت دارند و ما برای جلب رضایت آنها مجبور می‌شوئیم که به شهرهای دیگر سفر کنیم تا شاید تلاش مان به نتیجه برسد.

#### بین پرونده‌هایی که در این

مدت برای ایجاد صلح و سازش در آنها تلاش کرده‌اید کدام مورد برای تان شیرین تر بوده است؟ پرونده‌ای بود که فردی به قتل رسیده و تنها ولی دم او مادرش بود. این ماسر از روز اول گفته بود که من

اعدام شدند. هیچ‌کس از اعدام فرد دیگری خوشحال نمی‌شود اما این افراد به بهانه انجام جراحی زیبایی دختران جوان را بيهوش کرده و به آنها تجاوز کرده بودند. کار آنها هیچ جای دفاعی نداشت. آنها نه یک مورد که در چندین مورد دست به چنین کاری زده بودند که در نهایت چند هفته قبل حکم‌شان اجرا شد.

#### افراد محکوم بسه اعدام و

قصاص معمولاً در وصیت‌نامه‌هایشان چه نکاتی را می‌نویسند؟

معمولاً درباره تقسیم اموال‌شان می‌نویسند و اگر حرف با همسر فرزندان و خانواده داشته باشند می‌نویسند. این دست‌نوشته‌ها به‌طور خصوصی به خانواده‌هایشان داده می‌شود.

#### اجرای حکم بر عهده

چه کسی است؟ بارها شنیده شده که مثلاً سربازی که در زندان است باید حکم را اجرا کند. نه اصلاً اینطور نیست. هیچ‌یک از مسئولان دادگستری یا مأموران زندان حق اجرای حکم را ندارند. ما مقامات را فراهم می‌کنیم و اولیای دم باید حکم را اجرا کنند.

#### در دوره مسئولیت شما از

حدود ۱۰۰ پرونده قصاص، شما و همکاران تان موفق به جلب رضایت اولیای دم ۵۰ نفر شده‌اید. یعنی کوشش شما باعث شده از هر دو محکوم به قصاص یک نفر از مرگ نجات پیدا کند. آیا تا به حال درباره افراد بخشیده شده تحقیق خاصی انجام داده‌اید که معلوم شود آنها بعد از بخشیده شدن باز هم مرتکب جرم شده‌اند یا خیر؟

در پرونده‌های قتل وقتی اولیای دم قاتل را می‌بخشند در حقیقت از حق خودشان می‌گذرند اما جنبه دیگر

مجازات فرد محکوم به قصاص جنبه عمومی است. به این معنا که او با کاری که انجام داده باعث برهم خوردن نظم عمومی جامعه شده که این افراد طبق قانون به تحمل حبس از ۱۰ تا ۲۰ سال محکوم می‌شوند. این افراد معمولاً بعد از بخشیده شدن افراد آرامی می‌شوند و معلوم است اگر پای‌شان را از زندان بیرون بگذارند مرتکب خلافی نمی‌شوند.

#### اولیای دم بعد از اجرای حکم

معمولاً چه وضعیتی دارند؟ خوشحال هستند یا ناراحت؟

اجرای حکم حق اولیای دم است و نمی‌شود به آنها خرده گرفت. آنها هم عزیزشان را به شکلی غیرطبیعی از دست داده‌اند. معمولاً بعد از اجرای حکم می‌خواهند وانمود کنند که خوشحال هستند؛ اما خوشحالی در چهره‌شان دیده نمی‌شود. از سوی دیگر امسا اولیای دم پرونده‌هایی که می‌بخشند خوشحال هستند و معمولاً از ما تشکر می‌کنند که برای رضایت و بخشش تلاش کردیم. رضایت دادن و بخشیدن کار سختی است و دل بزرگی می‌خواهد. افرادی که به چنین جایی می‌رسند که رضایت می‌دهند خدا دوست‌شان دارد.

#### بعد از آنکه مراسم اجرای

حکم به پایان می‌رسد و شما از زندان خارج می‌شوید، اگر حکم اجرا شده یا فرد محکوم بخشیده شده باشد شما به لحاظ شخصی چه حالی دارید؟

معمولاً بعد از اجرای احکام قصاص تا چند روز حال خوبی ندارم و احساس خستگی می‌کنم. در این مدت هر قدر که برای اجرای حکم رفتم، باز برآیم عادی نبوده است. چنین مواردی اثر بدی روی ذهن انسان می‌گذارد. انگار غمی روی دلم می‌ماند و همین باعث می‌شود به لحاظ جسمی هم توانایی نداشته باشم. از سوی بعد از بخشش خوشحالی عجیبی سراغ آدم می‌آید. ناخودآگاه انرژی‌ام بیشتر می‌شود، حس خوبی دارم و با این روحیه سراغ بخشش در پرونده‌های دیگر می‌رویم.



#### در طول این گفت‌وگو

شما از شرایط سختی که در پرونده‌ها وجود دارد صحبت کردید. فکر می‌کنید تا چه زمانی بتوانید این شرایط را تحمل کرده و به کار در واحد اجرای احکام ادامه دهید؟

نمی‌دانم، تا هر جایی که خدا بخواهد. با وجود همه سختی‌ها مجری عدالت بودن حس خوبی است. به‌خصوص در پرونده‌هایی که اولیای دم با وجود حقی که برای قصاص قاتل دارند او را می‌بخشند. این بخش از شیرینی‌های کارم است که تا حدودی تلخی‌ها را جبران می‌کند.

#### در دستگاه قضایی و در

مسند قضاوت چه چشم‌اندازی برای خودتان در نظر گرفته‌اید؟

نمی‌شود چیزی را پیش‌بینی کرد. هر چند بندرعباس شهر خوبی است اما ممکن است از این شهر (بندرعباس) بروم. ممکن است به تهران بروم یا به زادگاهم یزد. دست سرنوشت و خواست خدا هر چه باشد قبول می‌کنم. باید از پدر و مادر، همسر و دخترم ایات حمایت‌هایشان تشکر کنم.